| تاریخ دریافت:۱۳۹۵/۸/۹ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۵/۱۰/۲۸ |

الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چیستی، چرایی، چگونگی

رسول رضوی

دانشیار گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران

razavi.r@chmail.ir

محمد پارچه‌باف دولتی

عضو گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، ایران، تهران

muhammaddowlati@gmail.com

ایمان روشن‌بین

نویسنده مسئول، دانشجوی دکترای کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، ایران، تهران

Iman_roshanbin@yahoo.com

چکیده

امروزه بحث تاریخ فکر به یکی از دغدغه‌های محققان تبدیل شده و رویکرد غالب نگرش فلسفی در فضای دانشگاهی درباره باور امامت‌شناختی، تاریخی است و کمتر منازعات کلامی را برمی‌تابند. به عبارت دیگر دنیای مدرن، بیشتر تمایل دارد ماهیت تشیع را با رویکرد تاریخی بشناسد. ازاین‌رو برای اثبات اصالت تاریخی یک باور امامتی، نخستین ادوار تاریخی شیعه از مهم‌ترین بخش‌های شناخت و تحلیل این مکتب به شمار می‌آید. در طول تاریخ، قدرت حاکم و گفتمان غالب، متعلق به پیروان مکتب خلفا بوده و لذا شواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی‌مذهب بوده است. ازاین‌رو در نقل گزارش‌های تاریخی بین عامه و خاصه و گاه بین خود عامه با اختلاف در محتوا روبه‌روییم. نکته مهم آن است که این اختلاف‌ها در محتوا، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای

* این مقاله مستخرج از پایان نامهٔ دکتری با همین عنوان و متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

بنابراین باید روش و الگویی ارائه داد تا با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب وحیانی و با تکیه بر باورهای کلامی شیعه و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، به تاریخ قطعی دست یابیم؛ تاریخی که اصالت تاریخی باور امامیه را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد. به چنین پژوهشی «تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» گفته می‌شود که بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است و بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه‌اش حاوی استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه و تحلیلش مبیّن باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی، به‌خودی‌خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود. این مقاله به دنبال پاسخ به چیستی، چرایی و چگونگی «الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» است.

کلیدواژگان: الگوی تاریخ‌پژوهی، قرآن، سنت، اصول کلامی امامیه، عقل، رمزگشایی منابع عامه.

مقدمه

تاریخ صدر اسلام از لحاظ کلامی اهمیت بسزایی دارد. این اهمیت در سه محور: الف) باورسازی تاریخ به صورت مستقل، ب) استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات و ج) پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی، بیشتر خودنمایی می‌کند. ازاین‌رو «الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» اهمیت شایانی دارد. برای ارائه این الگو، در مقاله پیش‌رو سه پرسش زیر در سه عنوان کلی پاسخ داده می‌شود:

۱. تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چیست؟
۲. چرا به تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه نیاز است؟
۳. شیوه تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات، روایات و اصول کلامی امامیه چگونه است؟

چهارچوب نظری این مقاله گرداگرد پاسخ به این سه پرسش طراحی شده که عملاً سه فرضیه

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

را مطرح می‌سازد:

فرضیه اول: تاریخ مبتنی بر این الگو بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شـواهدی بر باورهای کلامی شـیعی اسـت و مطالعه آن، استخراج مسـتندات باورهای کلامـی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبیّن باورهاسـت. همچنیـن این تاریخ قطعی به‌خودی‌خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود؛

فرضیه دوم: شـواهد پرشماری وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی‌مذهب بوده است. تأثیر و تأثرات و اختلاف در نقل گزارش‌های تاریخی، مسـتندی برای باورهای غلط می‌شـود و یا باورهای غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود؛

فرضیه سـوم: با گردآوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سـنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب وحیانی می‌توان به بخشی از تاریخ شیعی دست یافت. باورهای کلامی شیعه یکی از ملاک‌های تشخیص تاریخ سره از ناسره است و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمـان غالـب، ما را کمک می‌کند تا بـه بخش دیگری از تاریخ قطعی دسـت یابیم که اصالت تاریخی باور امامیه را از نخستین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد.

۱. تبیین چیستی الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

تاریـخ و عقاید با یکدیگر تلاقی دارند. تحلیل یک حادثـه تاریخی، هم از پیش‌فرض‌های عقیدتی (اعم از درست یا نادرست) تأثیر می‌پذیرد و هم می‌تواند اثر تضعیفی یا تثبیتی روی عقاید بگذارد. تاریخ صحیح می‌تواند شهادتی بر عقاید صحیح باشد و از سوی دیگر، تاریخ صحیح به‌خودی‌خود می‌تواند باورسـاز باشـد. تاریخ مبتنی بر آیـات و روایات به عنوان منبع اصیـل وحیانی، بازگوکننده تاریخ درخور اعتماد و اتکایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی است و مطالعه آن، استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه را در پی دارد و تحلیلش مبین باورهاست. همچنین این تاریخ قطعی به‌خودی‌خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۱-۱. نقص‌های موجود در تاریخ‌پژوهی متداول

بر اساس نظریه «تحلیل گفتمان»[1] شرایط اجتماعی، فرهنگ، باورها، موقعیت و... بر نگارش تاریخ تأثیر می‌گذارند. به دیگر سخن فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثا و بی‌طرف نیستند؛ زیرا قرار است منافع گروهی را به ضرر گروهی دیگر تأمین کنند (بهرامپور، ۱۳۷۹، مقدمه).

البته این حالت، طبیعت هر نقلی است که از رهگذر گذشته به آینده منتقل می‌شود. به عبارت دیگر حتی در فرض مراعات صدق نیز چنین خاصیتی یافت می‌گردد. ازاین‌رو می‌توان گفت نقل تاریخ از پالایه ذهن مورخان گذشته و بسیاری از گزارش‌های تاریخی با دیدگاه‌های مورخ درآمیخته است.

ازآنجاکه مورخان عمدتاً از معتقدان به باور عامه هستند، عمده نگاره‌های تاریخی متأثر از باورهای کلامی عامه است. نکته مهم آن است که این تأثیرگذاری در نهایت سبب می‌شود تا تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آن مستندی برای باورهای غلط شود و یا باورهای غلط را ایجاد کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شبهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

می‌دانیم که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع تاریخی متداول سیره ابن‌اسحاق است. اصل این کتاب به صورتی که خود ابن‌اسحاق تدوین کرده، امروزه در دسترس نیست، اما چند روایت کامل و ناقص از آن موجود است که برخی در تاریخ الامم و الملوک طبری و مفصل‌تر از همه در السیره النبویه ابن‌هشام آمده است (دایرةالمعارف اسلامی، مدخل «ابن‌اسحاق»). بررسی دقیق اختلاف محتواهایی که از نقل ابن‌اسحاق در سیره ابن‌هشام و دیگر کتب عامه آمده، عملاً اثبات‌کننده مدعای اختلاف در منقولات نگاره‌های متداول تاریخی است.

به عنوان مطالعه موردی، اثرگذاری باورهای کلامی ابن‌هشام بر تاریخ منقول او از ابن‌اسحاق، به‌طور جداگانه و در بیش از هفتاد مورد بررسی شده است (روشن‌بین، ۱۳۹۲، ص۵۲) که برای پرهیز از اطاله کلام، فقط یازده مورد آن در این مقاله ذکر می‌شود و در ادامه، اهمیت و اثرگذاری آن در باورهای ذهنی توضیح داده می‌شود.

گزارش‌های ابن‌هشام از ابن‌اسحاق با نقل دیگر مورخان عامه از ابن‌اسحاق اختلاف دارد. نکته مهم آن است که این اختلاف‌ها، تفاوت جزئی و قابل اغماضی نیست. یازده مورد از هفتاد مورد، به شرح زیر است:

1. Discourse Analysis

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۱. عدم ذکر ایمان ابوطالب (خطیب بغدادی، بی‌تا، ص۵۱)؛
۲. نسبت دادن اشتباه به پیامبر ﷺ (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج۲، ص۱۲۳)؛
۳. عـدم ذکر انتصاب بـه خلافت در انذار عشـیره اقربین (طبـری، ۱۳۸۷: ج۲، ص۳۱۱ـ ۳۱۲)؛
۴. حذف و تحریف ماجرای غدیر (امینی، ۱۴۱۶، ج۲)؛
۵. حذف اولین نمازگزار (بلاذری، ۱۳۵۹، ج۲، ص۹۰)؛
۶. حذف نقش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بدر (همان، ص۱۹۶)؛
۷. حذف نقش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در احد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج۱۴، ص۲۵۰)؛
۸. حذف نام عثمان در طعن پیامبر ﷺ به او (سهیلی، ۱۳۸۷، ج۴، ص۲۳۵)؛
۹. تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین (ابن‌اثیر، ج۴، ص۳۲۲)؛
۱۰. حذف توطئه عقبه (ابن قتیبه، ۱۹۶۰ م، ص۳۴۳)؛
۱۱. تحریف روایت سدالابواب از حضرت امیر به ابوبکر (قندوزی، ۱۳۰۱: ج ۱، ص۲۵۹).

بـا توجه به اهمیت تاریخ صدر اسـلام و اختلاف در نقل محتواهای تاریخی، به نظر می‌رسـد مشکل مهمی پدید می‌آید که باید راهی برای برون‌رفت از آن یافت.

۲-۱. ارکان و مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شیعی

مؤلفه‌های تاریخ‌پژوهی شـیعی چهار رکن است که جهت عدم تطویل کلام در این بخش صرفاً نام آن معرفی و از توضیح هر یک خودداری شده و در ادامه هر یک به‌تفصیل بررسی می‌شود. رکن اول: قرآن کریم، رکن دوم: روایات شـیعی، رکن سـوم: اصول کلامی امامیه و رکن چهارم: منابع تاریخی شیعه و عامه است.

۲. چرایی نیازمندی به الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

ازآنجاکه تاریخ صدر اسـلام از لحاظ کلامی اهمیت بسـزایی دارد، تاریخ‌پژوهی شـیعی نیز دارای کارکرد و آثار فراوانی است که همین مسئله، اهمیت بررسی الگوی آن را صدچندان می‌کند. کارکرد تاریخ‌پژوهی شـیعی را می‌توان در سـه محور: ۱. باورسـازی تاریخ به صورت مستقل، ۲. استشهاد تاریخ بر باورهای برخاسته از آیات و روایات، ۳. پاسخ‌گویی تاریخ به شبهات اعتقادی بررسی کرد. بـه عنوان مطالعه موردی و تبیین آثار تاریخ‌پژوهی بر این سـه محور، همان یازده اختلاف در سـیره ابن‌هشام به کار گرفته می‌شود:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۱-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در باورسازی

مدعا آن اســت که بررسی و تفحص در تاریخ نگارش‌یافته بر اساس «الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» می‌تواند باورساز باشد. عملاً این‌چنین تاریخی خود را وارد منظومه منابع علم کلام می‌کند و گزاره‌های آن سبب باورسازی به صورت مستقل می‌شود.

هر یک از یازده مورد پیش‌گفته می‌تواند در کنار دیگر شــواهد و مســتندات تاریخی به صورت مستقل باورساز باشد:

- **باور اول:** موحد بودن اجداد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام

اگر ایمان ابوطالب در منقولات به‌درســتی گزارش شــود، باور مؤمن و موحد بودن اجداد را رقم می‌زند و در عوض عدم نقل آن باور مشرک بودن اجداد را تقویت می‌کند.

- **باور دوم:** نصوص امامت

۱. نقل جریان انتصاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام در انذار عشــیره اقربین جزو یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخــی و مبیــن باور وجود نصوص امامت و خلافت اســت؛ چراکه عملاً شــروع دعوت علنی همراه با معرفی علنی خلیفه و جانشین پس از خود بود؛

۲. وجــود جریان غدیر بیش از هر نقلی روشــن اســت که چگونه بر امامــت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دلالت دارد و حذف آن چگونه ضربه‌ای خواهد داشت.

- **باور سوم:** افضلیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام

۱. ذکر امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان نخســتین ایمان‌آورنده به پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان فضیلتی بی‌بدیل است که در طول تاریخ بارها حضرتش بر آن احتجاج کرده‌اند؛

۲. بیــان نقــش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در بــدر یکی از شــواهد دلاوری و جنگ‌آوری‌هــای علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام است؛

۳. نقش امیرالمؤمنین علیه‌السلام در اُحد و حمایت‌های بی‌بدیلشان از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن هم در زمانی که یکایک اصحاب ایشان را تنها گذاشتند و گریختند، بیانگر افضلیت ایشان است؛

۴. جریان ســدالابواب الا باب علی علیه‌السلام از جمله جریانات باورســازی است که به‌خوبی باور افضلیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را پدید می‌آورد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

- **باور چهارم:** مطاعن خلفا

۱. در جریان ساخت مسجدالنبی عملاً رسول خداﷺ برای خلیفه سوم مطاعنی نقل می‌کنند که نقل آن در تاریخ، موجب ایجاد باور مفضولیت او می‌شود؛

۲. بیان نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین و اتکای او بر کثرت سپاهیان و عدم توکلش به خداوند، بیان‌کننده طعنی بر اوست؛

۳. توطئـه عقبه، یکی از بارزترین و مهم‌ترین جریانات تاریخی اسـت کـه گزارش آن در باور مطاعن خلفا بی‌بدیل است.

۲-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در استشهاد برای باورها

امروزه اصالت تاریخی یک باور امامتی در گرو این دانسته می‌شود که به لحاظ تاریخی بتوان نشان داد که آن آموزه از تعالیم مسـتقیم پیامبر و امامان: بوده و از همان ابتدا میان مسـلمانان (شـیعیان) شناخته‌شده و بلکه رایج بوده است. در تاریخ قطعی، می‌توان شواهدی را برای بسیاری از معتقدات امامیه نشـان داد و به آنها استشـهاد کرد و به این وسیله اصالت تاریخی یک باور امامتی را به اثبات رساند؛ اما باید توجه کرد که تاریخی سراسر شاهد است که قطعی باشد و باانگیزه‌های مختلف در طول تاریخ دسـتخوش تغییر و تحریف قرار نگرفته باشـد. بر اساس مطالعه موردی و همان ۱۱ نکته اشاره‌شده، می‌توان اثرگذاری آنها را در شواهد زیر را بیان کرد:

شـاهد اول: امامیه بر این باورند که اجداد طاهرین رسـول خدا و امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام همه مؤمن و موحد بودند و نقل صحیح این داسـتان و اشـعار (مورد اول از ۱۱ مورد)، شاهدی بر این باور است که با حذف شدن آن از تاریخ، عملاً شواهد این باور از بین رفته است؛

شواهد دوم و سوم: بسیاری از نقل‌های تاریخی عملاً شاهدی بر نصوص امامت هستند؛ مانند جریـان انتصاب امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام در انذار عشـیره اقربین و بحث غدیر که حذف هر دو مورد عملاً حذف این شواهد است.

شواهد چهارم، پنجم، ششم و هفتم: حذف افضلیت امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام به عنوان جانشین رسول خداﷺ در جریان نخستین ایمان‌آورنده به رسول خداﷺ، نقش ایشان در بدر و احد به عنوان مدافع اسلام و رسول و تحریف جریان سدالابواب از شواهد این مورد است.

شواهد هشتم، نهم و دهم: مفضولیت و مطاعن خلفا یکی دیگر از باورهای امامیه است. ذکر نام عثمان در جریان طعن پیامبرﷺ در ساخت مسجدالنبی، بیان نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین و اتکایش به کثرت سپاه به جای خداوند و نیز توطئه عقبه، از جمله شواهد مبنی بر مفضولیت آنان است که همگی حذف شده‌اند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۳-۲. کارکرد و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی در پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی

بسیاری از شبهات امروزی از مدخل مباحث تاریخی وارد می‌شوند و با بیان تاریخی ناصحیح، عملاً باور اعتقادی هدف گرفته می‌شود. به دیگر سخن، بسیاری از شبهات، اولاً به رویارویی با هیچ باور دینی‌ای نمی‌پردازند و از آنها صرفاً در جهات اخلاقی و رفتاری بهره جسته می‌شود؛ ولی نکته‌سنجی و ریزبینی در آنها نشان می‌دهد که در عمل، پایه و ریشه‌ای از عقاید دینی را نشانه رفته‌اند. ازاین‌رو شناسایی تاریخ قطعی و صحیح، به یک متکلم کمک می‌کند تا بدون درگیر شدن در فرایند پاسخ‌گویی به شبهه، اصل جریان تاریخی نقل‌شده از سوی مستشکل را انکار کند و در دام او گرفتار نیاید.

بر اساس همان ۱۱ مورد اشاره‌شده، ممکن است شبهات زیر به عقاید وارد شود:

شبهه اول: نسبت دادن خطا و اشتباه به پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ناقض باور عصمت ایشان است و نقل آن به عنوان شاهد، پدیدآورنده شبهه عصمت است؛

شبهه دوم: شبهه‌ای که عامه و روشن‌فکران بسیار بر آن تأکید می‌کنند، نبودن نصوص امامت در تاریخ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است. حذف معرفی امیرالمؤمنین در انذار عشیره اقربین و نقل اشتباه غدیر، مستمسک بسیار خوبی برای منکران امامت خواهد بود؛

شبهه سوم: پایین آوردن شأن منحصر به فرد حضرت امیر علیه‌السلام کمک شایانی به شبهه تنزل مقام امامت به مقام علمای ابرار می‌کند. برای این کار حذف فضایل ایشان و نسبت دادن آنها به دیگر صحابه، به‌ویژه خلفا یکی دیگر از روش‌های تاریخی برای اثبات مدعاست. ذکر نکردن نام حضرت امیر علیه‌السلام به عنوان نخستین ایمان‌آورنده به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، حذف نقش ایشان در بدر و احد و تحریف جریان سدالابواب، نمونه‌هایی از این روش تاریخی ایجاد شبهه است.

شبهه چهارم: هم‌رتبه بودن مقام خلفا با حضرت امیر علیه‌السلام و حتی در برخی موارد افضلیت آنان، از شبهاتی است که با پاک‌سازی تاریخ از مطاعن خلفا و فضیلت‌تراشی برای آنان، باورپذیر شده است. بنابراین حذف نام عثمان از جریان طعن، تحریف نام ابوبکر به عنوان چشم‌زننده در حنین، حذف توطئه عقبه، و جعل سدالابواب برای ابوبکر، نمونه‌هایی از تاریخ‌سازی است.

اهمیت تاریخ صدر اسلام و کارکردها و آثار تاریخ‌پژوهی شیعی چرایی نیازمندی به «الگوی تاریخ‌پژوهی، مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» را روشن می‌سازد.

۳. چگونگی الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی

ارکان و مؤلفه‌های مؤثر در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، نخست قرآن کریم، دوم روایات شیعی، سوم

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

سیره و منابع تاریخی شیعی و عامه و چهارم اصول کلامی امامیه است. در سیر محتوایی این مقاله، ابتدا هر رکن معرفی، و سپس شیوه بهره‌گیری از آن توضیح داده می‌شود.

۱-۳. قرآن کریم

قرآن نقل معتبر، متقن و درخور اعتمادی است که می‌توان به وسیله آن صحیح را از سقیم تمیز داد. حجیت قرآن در هیچ زمینه‌ای خدشه‌پذیر نیست و از موارد مسلم و ضروری بین تمام فرق اسلامی، حجیت قرآن است. حتی به تعبیر بعضی بزرگان تواتر قرآن امری قطعی است و نزد مسلمانان هیچ شک و شبهه‌ای در او راه ندارد (خویی، ۱۴۳۰، ص۱۵۲). ازاین‌رو قرآن معتبرترین منبع اسلامی به شمار می‌آید.

پس از روشن شدن تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان بر نگارش تاریخ که نتیجه آن عدم اعتبار منابع مرسوم بدون بررسی علمی است، مدعا آن است که برای فهم صحیح تاریخ پیامبر اکرمﷺ قرآن کریم منبع قابل اتکا و اعتماد معرفی می‌شود. نکته دیگر آنکه آنچه از نقلیات در دست است، اگر با قرآن مطابقت داشته باشد و با روح بیانات و حقایق موجود در کتاب عزیز مباین و منافی باشد، پذیرفتنی است؛ وگرنه از همان روشی پیروی می‌کنیم که در روایات آمده است: ﴿کلُ ما خالف کتاب الله والسنة فهُو یرد إلی کتاب الله والسنة﴾ (عاملی، ۱۴۲۵، ج۲۲، ص۷۰).

۱-۱-۳. بحث حجیت ظواهر قرآن و نظریه مختار در الگو

نسبت به حجیت ظواهر دو نظر کلی وجود دارد: برخی ظواهر قرآن را حجت می‌داند و برخی دیگر در حجیت ظواهر خدشه وارد می‌کنند. نظریه مختار در الگوی تاریخ‌پژوهی، «حجیت ظواهر قرآن» است. اساس الگوی قرآنی تاریخ‌پژوهی، اخذ ظواهر قرآن و به‌کارگیری ظهورات مختلف کتاب آسمانی است. ازآنجاکه هدف مقاله تبیین الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی شیعی است، از نظریه حجیت ظواهر صرفاً استفاده می‌شود و اثبات این مطلب و رد ادله منکران، خارج از بحث است (در این باره، رجوع شود به واپسین آرای اصولی، به‌ویژه خویی، بی‌تا).

اما مراد از حجیت ظواهر در مقاله و الگوی پیش رو، مطلب زیر است:

بیشتر آیات قرآن بدون تفحص از کلام مبین، فهمیده می‌شوند، ولی این فهم لزوماً حجیت ندارد. قرآن همراه ثقل دیگر خود یعنی عترت، دارای حجیت است. خود قرآن پیامبرﷺ را به عنوان «مبیّن قرآن» معرفی فرموده است و عترت نیز توسط پیامبرﷺ در این شأن معرفی شده‌اند. قرآن متشکل از نصوص، ظواهر، مجملات و مبهمات است:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

الف) نصوص: نصوص حجیت ذاتی دارند؛

ب) ظواهـر: ایـن مطالب، پیـش از تفحـص از قرینه صارفـه از کلام مبین معصـوم، اقتضای حجیـت ندارنـد و کلام مبین به عنوان قرینه منفصله عمل می‌کنـد؛ چنان‌که آیات دیگر نیز باید به عنوان قرینه متصله یا منفصله در نظر گرفته شـوند. البته باید توجه شـود که نصوص و ظواهری در قرآن هستند که حجیتشان ذاتی است (فطری یا عقلی یا اخلاقی) که به طور کلی از بحث خارج‌اند.[1]

ج) مجملات: پیش از تفحص از قرینه معینه، اقتضای حجیت ندارند؛

د) مبهمات: بدون کلام مبیّن، اقتضای حجیت ندارند.

با مراجعه به عترت متوجه می‌شـویم که «تعویل بر منفصل» در کلام الهی صورت گرفته، ولی «دیـدن تعویل بر منفصل» وجود ندارد. لذا حجیت ظواهر «بعد الفحص والیأس» برقرار اسـت و سـیره اصحاب هم بر همین حجیت است و ردعی از سـوی شارع نرسیده است (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص۱۳۰؛ میانجی، ۱۳۶۳، ص۱۶۶ و ۱۶۷).

۲-۱-۳. دلالت قرآن بر حقایق خارجی

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر گزارش‌های تاریخی و کتاب‌های سیره به دلایل گفته‌شده فاقد اعتبارند، قرآن نیز ظنی‌الدلاله است. در پاسخ باید گفت:

اولاً: نخستین حقیقتی که با رجوع به سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام درباره قرآن فهمیده می‌شود، این است که ایشان در موارد فراوانی به معنای لغوی قرآن استناد کرده‌اند (صدوق، ۱۳۷۶ ش، ص۱۱۶) و قرآن را به معنایی که در زبان عربی «کلام» نامیده می‌شـود، «کلام» انگاشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۲، ص۱۰۰). مراد از «کلام» الفاظی اسـت که برای رساندن مقصودی به مخاطب القا می‌شود. آنچه در زبان عربی کلام نامیده می‌شـود، «ما یُتکلم به لافهام المقاصد» است. این همان حقیقتی است که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «ألالفاظُ قوالبُ المعانی» (تمیمی آمدی(۱۴۱۰ ق)، ص۱۲۸).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و خلفای پس از ایشان در گفتار و عمل، قرآن کریم را از جهت حاکی و کاشف بـودن از مـراد و مقصـود الهی، «کلام» نامیده‌اند و آن را مانند کلام بشـر، فانـی در مرادات متکلم دانسـته‌اند. به عبارت دیگر کلام الله نیز چون کلام بشـر در استعمال لفظ، توجه استقلالی به خود

۱. روایات نمی‌توانند ظاهر این آیات را رد کنند؛ چراکه محتوای آنها عقلی اسـت و عقل حجت خدای سـبحان بوده، نباید بین دو حجت خدا (عقل و نقل) اختلاف باشد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

لفـظ ندارد و صرفاً به معنای آن، یعنی همان حقیقت خارجی توجه دارد (غروی اصفهانی، ۱۹۷۴، ص۹). این مطلب کاملاً وجدانی اسـت؛ چراکه هیچ‌یک از ما وقتی سخن می‌گوییم به الفاظی که به کار می‌بریم، توجهی مستقل از معانی نداریم؛

ثانیـاً فارغ از اینکه اهل‌بیت علیهم‌السلام به معانی لغوی‌ای کـه عملاً بر موضوع خارجیه دلالت می‌کند رسـمیت می‌دهند، ذیل شـمار فراوانی از آیات بیاناتی دارند که عملاً آیه را تفسـیر می‌کند و دلالت آن را شـرح و بسـط می‌دهد. بنابراین رجوع به مبیّن قرآن در بسیاری از موارد ما را به دلالت‌های آن رهنمون می‌کند؛

ثالثاً از سـوی دیگر ما هیچ‌گاه رجوع به گزارش‌های تاریخی در عرض ـ و نه در طول ـ را همراه با بررسـی و تحلیل نفی نمی‌کنیم؛ چرا که این کار برای کمک در کشـف معانی و مفاهیم تاریخی برخی موارد قرآن کارا خواهد بود.

۳-۱-۳. شیوه بررسی الفاظ و عبارات قرآن

برای این کار باید مراحل زیر انجام شود:

۱. باید سـراغ تک‌تک کلمات رفت و هر یک از الفاظ آیه را با دقت و موشـکافی بررسی کرد تا معنای حقیقی آن از عرف اهل لغت کشف شود. توجه به کلمات مشترک، تشخیص الفاظ مترادف، تعیین کلماتی که ظاهراً هم‌معنا هسـتند، ولـی با ظرافتی با یکدیگر تفاوت دارند، بسیار ضروری است؛

۲. بررسـی کل جمله به همراه قیود[1] موجود در آن مهم اسـت. آنچه از قیود و ترکیبات در آیات قرآنی مشاهده می‌شود، طبق قاعده احترازیت، بر خصوصیتی دلالت می‌کند که اگر آن قید نمی‌بودند، این ویژگی فهمیده نمی‌شد؛

۳. پس از بررسـی دو مرحله قبل، آنچه از آیات برای ما حاصل می‌شـود، ظواهری اسـت که همان‌طور که در بخش دوم توضیح داده شـد، حجت و قابل اسـتناد اسـت و تفسیر به رأی نیست.

۴-۱-۳. بررسی اقوال، تفاسیر و شأن نزول

مشکل بزرگ علما، اعم از شیعه و سنی، فارغ از اختلاف‌نظرهایی که در بحث تفسیری وجود دارد،

---

۱. قید به معنای هر چیزی است که مانع اطلاق حکم شود. شروط و صفات و... همگی قید هستند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

آن است که هر کدام آیات قرآن را متناسب با عقاید خود تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، چه شیعه و چه سنی، مطالب قرآنی و روایی را در فضای تحلیل گفتمانی خود فهم و برداشت می‌کنند که البته گریزی از این امر نیست. آنان تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و باورهای از قبل پذیرفته‌شده، می‌کوشند به باورهای کلامی دست یابند و سپس برای تقویت باورهای کلامی‌شان از تاریخ نیز کمک بگیرند. بنابراین اگر پژوهشگر تاریخ نیز به تفسیر و برداشت‌های تفسیری رجوع کند، دچار همان مشکلی می‌شود که در صدد حل کردنش بودیم. بنابراین با عنایت به برداشت‌های تفسیری متفاوت، مسئله پژوهش همچنان حل‌نشده باقی می‌ماند.

بنابراین ارجاع به قرآن به معنای ارجاع به برداشت‌های تفسیری مفسران با هر نوع سلیقه تفسیری‌ای نیست، بلکه مراد رجوع به روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام ذیل آیات است.

در احادیث متعددی آمده است که فهم قرآن به عنوان کتابی حاوی علم و اخبار، نیازمند رجوع به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت معصومش: است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۵۹ و ۶۰). حدیث ثقلین که موردپذیرش فریقین است، راه نجات از گمراهی را تمسک به قرآن و عترت معرفی می‌کند و این دو را از هم جداناپذیر می‌داند و اعتماد به اهل‌بیت: را راه مطمئن رسیدن به حقایق قرآن اعلام می‌کند (مفید، ۱۴۰۳، ص۳۴۹) در احادیث بسیاری تصریح شده که هرکس چنین نکند و هدایت را از جای دیگری بخواهد، گمراه خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۲، ص۹۰-۹۵).

فارغ از بحث مبنایی بیان‌شده، بر مبنای شیوه‌های متداول، در برخورد آیات با اقوال و شأن نزول، باید توجه داشت که آیه با اقوال نقل‌شده باید تناسب داشته باشد و نسبت به جامعهٔ آن روز نباید امری نامعقول و یا غیرمتعارف باشد. از جملات امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه استنباط می‌شود که یک مورخ و تحلیلگر تاریخ، باید خود را در زمانه مورد بررسی فرض کند و آن‌گاه نسبت به آنچه نقل‌شده، داوری کند (نامه ۳۱). با چنین کاری به‌راحتی می‌تواند تشخیص دهد که گزارش‌ها و مواردی که با اوضاع و احوال آن زمان سازگاری ندارند و با وقایع خارجی ناهمگون هستند و اصطلاحاً مضطرب به نظر می‌آیند، از تأثیرگذاری باور نگارنده حکایت دارند.

اگر به مواردی که مفسران بزرگ اهل‌تسنن ذیل آیات ذکر کرده‌اند و مورخان آنها بدانها پرداخته‌اند مراجعه کنیم، خواهیم دید که بسیاری از موارد با احتمالات عقلایی و متعارف سازگار نیستند و ناهمگون‌اند.

باید توجه داشت که در استناد به آیات قرآن در پذیرش یا رد اخبار و حوادث تاریخی از شیوه‌های مختلف بهره گرفته می‌شود: ۱. استناد به نص آیات، ۲. استناد به ظاهر آیات، ۳. استناد به مضمون و مفهوم آیات، ۴. استناد به سیاق آیات، ۵. استناد به شأن نزول آیات.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۵-۱-۳. بیان مواردی از تاریخ مبتنی بر رکن اول الگو: قرآن

بسـیاری از وقایع تاریخی به‌تفصیل در قرآن ذکر شـده‌اند. برخی عناوینی که مستقیماً از قرآن قابل استخراج هستند، بدین شرح‌اند:

۱. اوضاع فرهنگی اجتماعی عربسـتان هنگام بعثت پیامبـرﷺ (انعام: ۱۵۱؛ تکویر: ۸-۹)؛

۲. عقاید و تشـریع احکام، مانند تقیه (نحل: ۱۰۶)، تشـریع زکات و روزه (اعراف: ۱۵۶؛ مؤمنون: ۴؛ نحل: ۳؛ لقمان: ۴، فصلت: ۷؛ انبیاء: ۷۳)، جهاد (انفال: ۶۵ و ۶۶)؛

۳. موضوعات مرتبط با شـخص رسـول خدا، ایمان پدران حضرت (بقـره:[۱] ۱۲۸؛ انعام: ۸۳-۹۰)، نبـوت و ایمان حضـرت قبل از بعثت (مریم: ۳۰ و ۱۲)،[۲] بشـارت یهود و نصارا به ظهور حضرت (اعراف: ۱۵۷)؛

۴. بعثت و ظهور اسلام: رسالت و چگونگی نزول قرآن (قدر: ۱؛ بقره: ۱۸۵؛ فرقان: ۳۲؛ اسـرا: ۱۰۶؛ مجادلـه: ۱)، آغاز وحـی (علق: ۱ و ۲)، مراحل دعوت (شـعراء: ۲۱۴)، اهداف بعثت (جمعه: ۲)؛

۵. اسراء و معراج (اسراء: ۱؛ نجم: ۶- ۱۲؛ تکویر: ۲۳)؛

۶. داستان غرانیق (حج: ۵۲ و ۵۳)؛

۷. شق القمر (قمر: ۱)؛

۸. موضوعـات مرتبط با یهود مدینه، مانند رجم یهودیان (مائده: ۴۱ ـ ۴۴)، پیمان‌شـکنی یهود (بقره: ۹۶)؛

۹. ضرورت و شیوه هجرت و داستان غار (توبه: ۴۰)؛

۱۰. پیروزی رومیان بر ایرانیان (روم، آیات ابتدایی)؛

۱۱. وقایع مربوط به نفاق مسلمانان در مکه و مدینه و آزار و اذیت رسول خداوندﷺ توسط آنان (نصر، آیات ۱ الی ۳).(۳)

---

۱. در این آیه دعای حضرت ابراهیم، یکتاپرستی ذریه‌اش می‌باشد که پدران پیامبر در امتداد آن قرار دارند.

۲. این آیات به صراحت ایمان حضرت عیسی و یحییؑ را پیش از بعثت نشان می‌دهد. با بسط کلامی این موضوع و رجـوع بـه روایات ذیل آن، ایمان پیامبر پیش از بعثت را نیز می‌توان به ایـن آیات و روایاتی چون «کنت نبیا، اذا کان الآدم بین الماء والطین» مستند ساخت.

۳. و دیگر آیات: بقره: ۸ -۲۰، ۷۵ - ۷۷، ۱۴۴، ۱۹۰-۱۹۳، ۲۰۴-۲۰۷، ۲۱۴، ۲۱۷، ۲۳۱ و ۲۳۲؛ آل عمران: ۷، ۸، ۲۸، ۲۹، ۷۳، ۸۶-۹۰، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۴۴، ۱۴۹-۱۵۴، ۱۶۶-۱۶۸، ۱۷۹.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۳-۲. روایات شیعی

بـا توجـه به تاریخ عمومـی حدیث و بازخوانی منابع عامه و خاصه، کاملاً روشـن اسـت که تاریخ حدیث شـیعه به برکت نقش ائمه : در احیای دین؛ از آفاتی که حدیث اهل تسـنن داشته مصون مانده اسـت. مانند: حدیث‌سـوزی‌ها، ممنوعیت نقل حدیث، جعل احادیث، رواج اسـرائیلیات و داستان‌سـرایی و.... احادیث شـیعه بر خلاف اهل‌تسـنن، منبع وحیانی دارد و باور منعکس‌شده در آن، باور وحیانی اسـت. همچنین مجامع روایی شـیعه که از گذر تاریخ و از لسان اهل‌بیت : به دسـت ما رسیده‌اند، از بوته آزمایش و نقد بسـیار علمای رجال و فقه و کلام گذر کرده‌اند و قابلیت اتکای به آنها، با مجامع روایی عامه قابل قیاس نیست (عاملی، ۱۴۲۸، ج۱). بنابراین تاریخ منقول از روایات شیعی، به عنوان دومین منبع تاریخ قابل‌اتکا و اعتماد است.

ازآنجاکه ائمه شیعه : از عصمت و علم غیب برخوردارند، اخبارشان از گذشته به واقع اصابت می‌کند و خطایی در آنها راه ندارد. همچنین ازآنجاکه یکی از شـئون امامت، هدایت و رهبری اسـت، بنابراین تاریخی که ایشان گزارش کرده‌اند، حتماً دربردارنده نکته‌ای هدایتی است. از سوی دیگر، این تاریخ به سـبب اتصال به علم غیب الهی، متقن و یقین‌آور اسـت و در حوزه منابع قطعی کلامی قرار می‌گیرد و سطر سطرش ارزش استخراج باورهای کلامی دارد. در نظر گرفتن این مطالب، نکته اساسی دلیل رجوع به این منبع را در الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی امامیه روشن می‌سازد.

۳-۲-۱. دلالت و سند روایات

منظور از یقین در ناحیه دلالت، نص بودن متن در یک معناست؛ به‌گونه‌ای که احتمال دیگر منتفی باشد؛ اما به این مسئله نیز باید توجه کرد که ممکن است قرائنی موجود باشد که با ضمیمه شدن به متن، آن را از مرحله ظهور به مرتبه نص منتقل سـازد. از جمله این قرائن، تکرار ظاهر اسـت. وقتی وحی و معصوم بارها سـخنی را تکرار می‌کنند و بر آن تأکید می‌ورزند، این سـخنان گرچه هر یک به‌تنهایـی در رتبه ظهورند، امـا در نگاه کلی و مجموعی، احتمال خلاف را برطرف می‌سـازند و به درجه نص می‌رسند (انصاری، ۱۳۷۲، ص۱۷۰).

مسـئله قرائن از مهم‌ترین مسـائل اصول استنباط کلام و به تبع آن مباحث تاریخی است و یکی از وجوه تمایز آن با علم فقه به شـمار می‌آید. اهمیت این مسـئله آن اسـت که ارتباط احکام عملی در مقایسـه با ارتباط عقاید، بسـیار ناچیز است (همان، ص۵۲). استنباط یک حکم عملی، جز در مـواردی اندک، کمکی به فهم حکم دیگر نمی‌کند؛ درحالی‌که مسـائل اعتقادی و تاریخی آن‌چنان در هم تنیده‌اند که فهم یک گزاره غالباً به فهم دیگر مسائل یاری می‌رساند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

بنابرایـن در تحقیقـات کلامی و تاریخی باید شـیوه «کل‌نگری» را به کار بسـت و از طریق آن در هر مسـئله، از مسائل دیگر یاری جسـت و قرائن صحت احادیث آحاد در مسئله‌ای خاص را از مجموعه اعتقادات و احادیث اعتقادی و تاریخی بازیافت (همان، ص۵۴).

همچنین باید دانست که در فقه به دلیل تفحص و بررسی فقها در همه احادیث و جمع‌آوری آنها در جوامع حدیثی، اگر در حدیثی به چند حکم اشاره‌شده باشد، یا احادیث یک باب، در استنباط ابواب دیگر مؤثر باشـند، این نکات در جوامع حدیثی و فقهی بیان شـده اسـت و بدین‌سان، فقیه در بررسی مسـئله‌ای خاص با مراجعه به همان باب خاص، معمولاً دلایل موجود در آن مسئله را می‌یابد؛ اما در کلام و تاریخ وضع به‌گونه‌ای دیگر است؛ زیرا این متون در ابعاد مختلف موردبحث و بررسی اجتهادی قرار نگرفته‌اند و احادیث مربوط به این مسائل به طور تخصصی و تفصیلی گردآوری و سامان نیافته‌اند. نتیجـه‌ای که از این بخش از سـخن می‌توان گرفت آن اسـت که اگر بتوان در فقـه عملی، «تجزی در اجتهاد» را پذیرفت، در کلام و فروع اعتقادی و توصیفی، دست‌کم در شرایط کنونی، نمی‌توان قائل به تجزی شد. بنابراین پیش از استناد یک گزاره کلامی به دین، بایسته است که دست‌کم به دیدگاهی کلی و روشن درباره عقاید دینی دست‌یابیم (برنجکار، ۱۳۸۹، مقاله ۹).

گاه گفتـه می‌شـود که روایات اهل‌بیت : به شـهادت علـم رجال، جز در روایـات متواتره و مستفیضه، ظنی السند هستند. برای بررسی این مدعا باید توجه کرد که مراد از یقین در ناحیه سند، این اسـت که صدور سـخن از خدا یا معصوم علیهم‌السلام قطعی اسـت. دلیل چنین قطعی، یا تواتر لفظی متون، یا تواتر معنوی و یا وجود قرائن قطعی است.

بایـد بدانیـم که بحث «حجیت خبر واحـد» چندان‌که در مباحث فقه عملـی جایگاه دارد، در اینجا حیاتی نیسـت؛ زیرا با توجه به پیوند بین مباحث در علم کلام و مباحث کلامی تاریخ و آنچه در بحـث طبقه‌بندی متون وجـود دارد (برنجکار، ۱۳۹۱، ص۲۱)، درمجمـوع می‌توان گفت که در غالـب مـوارد درباره حجیت روایات می‌توانیم به یقین برسـیم؛ یعنی اگـر «کل‌نگری» را اصل قرار دهیم، یک مبحث اگرچه ممکن اسـت فقط یک یا چند روایت داشـته باشـد، اما می‌توان از لوازم و آثـار روایـات در مباحث دیگر برای آن شـاهد و دلیل اقامه کرد و درنتیجـه به خبر واحد محفوف به قرائن متعدد دسـت‌یافت که موجب حصول قطع به صدور آن خواهد شـد؛ چراکه قطعیت یک خبر واحـد تنها با تواتر آن ثابت نمی‌شـود، بلکه می‌توان با قرائـن متعدد به محتوای یک خبر واحد یقین یافت؛ یعنی همان‌گونه که وجود حدیث در کتب معتبر می‌تواند قرینه بر اعتبار باشد، وجود تأیید یا دلیل از ابواب دیگر نیز می‌تواند قرینه باشـد. هرچند حجیت خبر واحد مشـروط به شرایطی است، اما سخن در آن است که بدون این حجیت نیز در بسیاری موارد می‌توان به دیدگاه دینی رسید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

فارغ از اینها، با پذیرفتن آسیب‌هایی که به ضعف سندی در برخی از کتب تاریخ می‌انجامند، می‌توان راهی را برای برون‌رفت از این آسیب یافت که خلاصه آن بدین شرح است:[1]

الف) گردآوری همه اسناد مشابه یا دست‌کم حلقه‌های مشابه با حلقه‌های مشکل دارد. اسناد مشابه، زمینه را برای کاربرد قواعد علم رجال و درایه، به‌ویژه طبقات الرجال فراهم می‌آورند. از این راه می‌توان حلقه‌های مفقود در سند را پیدا کرد و با پدید آمدن اطمینان عرفی از سند، تردید درباره محتوای سند را برطرف ساخت؛

ب) یافتن طریقی دیگر برای حدیث یا در همان کتاب و یا در دیگر کتب روایی که صدور روایت از معصوم را اثبات می‌کند: گفتنی است که در این روش، عینیت در الفاظ حدیث لحاظ نمی‌شود، بلکه از احادیث هم‌محتوا نیز می‌توان بهره برد؛

ج) راه‌حل فقه الحدیثی، که در آن با بررسی متن و به دست آوردن اطمینان عرفی و عقلایی از مراد نهایی، به سنجش آن با قرآن و سنت و دیگر موازین مقبول پرداخته می‌شود. یافتن احادیث فراوان و هم‌مضمون، گونه‌ای تعاضد مضمونی و شهرت روایی پدید می‌آورد و آسیب سندی با تقویت مضمونی حدیث جبران می‌شود.

۲-۲-۳. شیوه حل تعارض بین ظاهر آیات با روایات[2]

همان‌طور که گفته شد، حجیت ظواهر کتاب پس از مراجعه به اخبار و تفحص از قرائن منفصل کتاب به دست می‌آید (بعد الیأس بعد الفحص). در رجوع به قرائن منفصل، گاهی در نگاه ابتدایی بین ظاهر قرآن و روایات تعارض دیده می‌شود. در این موارد باید به شیوه زیر عمل کرد:

۱. اگر روایت، روایتی معتبر نباشد و اصل حجیتش خدشه‌پذیر باشد، در این حالت قابلیت معارضه با ظاهر قرآنی را ندارد؛[3]

۲. اگر روایت، روایت معتبری باشد:

الف) گاه روایت درصدد بیان مورد و مصداق آیه است و مانع از اطلاق آیه در دیگر موارد

۱. روش برون‌رفت از آسیب سندی، نتیجه دو رساله ارزشمند معصومه سلیمی و مرضیه تاکی با عنوان بن مایه‌های قرآنی بصائر الدرجات به راهنمایی سیدعلیرضا حسینی است. بنابراین در این بخش به تفصیل توضیح روش و اثبات آن پرداخته نمی‌شود.

۲. برای بررسی تفصیلی و نمونه‌ها، ر.ک: مصباح الأصول، منتقی الاصول و بحوث فی علم الاصول.

۳. از نظر ما روایات و منقولاتی که به معصوم منتهی نشود و از صحابه رسیده باشد، داخل در این قسمت است و معتبر نیست؛ ولی اگر کسی این منقولات را معتبر بداند، در این صورت باید در مراحل بعد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

نیست. در این حالت مخصص و مقید ظاهر نیستند و هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد. آیه به اطلاق خود باقی است و ظاهر آن درباره تاریخی خودش مورد استناد است؛ روایت هم به اعتبار خود باقی می‌ماند؛[1]

ب) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند، ولی به نظر می‌رسد که مراد ظاهری آیه نیست و تأویل و نقل باطن قرآنی است که در این صورت نیز تنافی وجود ندارد. به عبارت دیگر، این روایات در مقام تأویل آیه‌اند و اساساً هیچ‌گونه تعارضی با ظاهر ندارند و مانع از انعقاد ظهور نمی‌شوند؛

ج) گاه روایت مراد آیه را بیان می‌کند و احتمال دیگر را نیز نفی می‌کند و در صدد توضیح ظاهر آیه است. بر فرض وجود این صورت در مباحث تاریخی، در این حالت روایت و آیه باید از دو جنبه بررسی شوند:

اولاً مقدار دلالت:

- اگر قرآن نص باشد و یا ظهور قوی‌تری نسبت به روایت داشته باشد، به قرآن تمسک کرده، آن را مبنا قرار می‌دهیم و درباره روایت سخنی نمی‌گوییم و توضیح آن را به امام معصوم واگذار و فعلاً از کنارش عبور می‌کنیم؛

- اما اگر قرآن ظهور قوی نداشت و آنچه از ظاهر به‌دست‌آمده بود، بر پایه قرائنی بود که نزد عقلا جز احتمال و یا ظهور ضعیف چیزی به دست نمی‌آمد، در این صورت ظاهر قوی‌تر که در روایت موجود است مقدم می‌شود (مثلاً اگر ظاهر قرآنی از وحدت سیاق حاصل آمده باشد)؛[2]

اما اگر مقدار دلالت هر دو یکی بود، تقسیم‌بندی زیر مطرح می‌شود:

ثانیاً عموم و خصوص:

۱. اگر نسبت به نحو عموم و خصوص مطلق باشد، به‌مقتضای جمع عرفی مخصص و مقید مقدم خواهد بود؛

۲. اگر نسبت تباین باشد و هیچ‌گونه جمع عرفی ممکن نباشد، اساساً این نوع روایت قابلیت قرینیت را ندارد و عرفاً قرینه نخواهد بود و طبق احادیث فراوانی که برخی از آن

---

۱. پرسش: با توجه به اینکه شأن نزول آیه در مورد گروه خاصی است، آیا می‌شود از آیه در مورد دیگر استفاده کرد و به ظهور آن استناد کرد؟ مثلاً از آیه در باب مطهریت و پاک‌کنندگی آب استفاده کرد؟ پاسخ: ورود یک آیه در مورد خاص سبب نمی‌شود که آیه اختصاص به موردی پیدا کند و در جای دیگر استفاده نشود.

۲. روایاتی که از ائمه : در تخصیص و تقیید ظواهر کتاب وارد شده‌اند، همگی اقوی ظهوراً از ظاهر کتاب است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

گذشـت، مخالف کتاب طرح می‌شـود و از حجیت سـاقط می‌گردد و هیچ‌گونه اعتباری ندارد؛

۳. اگر نسبت عموم و خصوص من وجه باشد، در ماده اجتماع به‌مقتضای تباین بین ظاهر قرآن و آن روایت ظاهر کتاب تقدم می‌یابد.

۲-۱-۳. شیوه جست‌وجو و دستیابی به روایات تاریخی

امروزه با الکترونیکی شـدن کتب و امکان جسـت‌وجو میان صدها هزار کتاب، بسـیار سـهل شده است. با جست‌وجوی واژه‌ای گاه مطالبی میان انبوه کتب استخراج می‌شود که با مطالعه موضوعی دسـت‌یافتنی نیسـت؛ چراکه گاهـی یک روایت از جنبـه‌ای تاریخی و از جنبـه‌ای فقهی، اخلاقی، اعتقادی، تفسیری است:

۱. **روایات تفسـیری:** ذیل بسـیاری از آیات، روایاتی در توضیح، تفسـیر، تبیین، تأویـل و شـأن نزول آیـات وجـود دارد که عمـلاً گزارش‌های معتبـر و قطعی تاریخی‌انـد که منشـأ وحیانـی دارند و علاوه بر روشـن سـاختن جریان‌های واقع‌شـده در تاریخ، پرده از بسـیاری از ظرافت‌های قرآنی نیز برمی‌دارند. گاه آیه‌ای مسـتقیماً در جریانی نازل نشـده و یا اصولاً در دسـته آیـات تاریخی به شـمار نمی‌آید و یا جنبـه تاریخی آن برای موضوع خاص دیگری اسـت؛ ولی در جریـان تاریخی دیگری نیز این آیه به مناسـبتی قرائت‌شـده اسـت. در این صـورت با جسـت‌وجوی واژه‌ای، روایت ذیل آن آیه که مبیـن جریان تاریخی است، استخراج می‌شود؛

۲. **روایـات فقهی:** گاهـی روایتی در توضیح و تبیین حکمـی خاص در کتابی با رویکرد فقهی با شرح و بسط آن حکم آمده، ولی ازآنجاکه مکان، زمان و دلیل توضیـح آن حکم در مـکان و جریانی خاص بوده، جزو روایات تاریخی نیز به شمار می‌آید؛

۳. **روایات اعتقادی:** گاه در روایتی اعتقادی، حدیث دارای قبل و بعدی است که پرده از حقیقتی تاریخی برمی‌دارد؛

۴. **روایـات اخلاقـی:** گاه روایتی اخلاقی در مدح یا ذم افـرادی یا موضعی بیان شده که بررسی آن موضع و موضوع، جریانی تاریخی را شرح می‌دهد؛

۵. **کتب رجالی:** گاه در بازشناسـی شخصیت‌ها در کتب رجالی، یا خود آنها در

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

نیز به عنوان معیار قطعی سنجش، پذیرش و یا رد اخبار و گزارش‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود، عصمت و برگزیدگی الهی رسول‌اللهﷺ و اوصیای ایشان است.[1] غفلت و یا تغافل مورخان مکتب خلفا نسبت به این باور مسلم کلامی موجب شده تا سیمای نادرستی از رسول خداﷺ نمایانده شود؛ فردی ناتوان که چون کودکان عمل می‌کند و خشنودی و غضب او از روی ناتوانی و آشفتگی است. ازاین‌رو بسیاری از افراد از او داناتر و به نبوت شایسته‌ترند (عاملی، ۱۴۲۸، ج۱، ص۱۷ـ۲۲).

در ادامه برخی مواردی که با استناد به باور مسلم عقلی عصمت و برگزیدگی الهی ایشان، بدون بررسی سندی و روش‌های تاریخی با نگاه اول مردود هستند، به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شوند:

۱. سهو پیغمبر در نماز (عسقلانی، ۱۳۰۰، ج۳، ص۷۷)؛
۲. افسانه غرانیق (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج۱، ص۲۳۵)؛
۳. مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر نسبت به پیامبر (واقدی، ۱۳۸۸، ج۱، ص۴۸)؛
۴. تماشای رقص سیاهان در مسجد که بر پایه برخی روایات مکتب خلفا، در حالی بوده است که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت قرار داده و هر دو نظاره‌گر رقص آنان بوده‌اند (ترمذی، بی‌تا، ج۵، ص۵۸۰)؛
۵. مسابقه دوی پیامبر با عایشه، که سپاه را رها کرد و به سوی عایشه دوید (کاتب واقدی (۱۳۸۸ش)، ج۲، ص۴۳۲)؛
۶. کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ، لباسش را بیرون آورد (بخاری، ج۲، ص۲۰۳).
۷. آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرادادن حضرت به آنان هنگام استقبال از او ابتدای هجرت (حلبی شافعی، ۱۳۲۰، ج۲، ص۶۲)؛
۸. نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه عمر بن خطاب و مخالفت با رسول خداﷺ درباره اسرای بدر (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص۱۶۹).

نتیجه‌گیری

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه»، الگویی است که با دستیابی به منابع اصیل و وحیانی، تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان را به حداقل می‌رساند و بازتاب‌دهنده باورهای وحیانی است. با ارائه الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول

۱. برای آگاهی از اثبات این مدعای عقلی ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص۴۰.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

۳-۳. منابع تاریخی

یکـی دیگر از مؤلفه‌ها و ارکان تاریخ‌پژوهی شـیعی، منابع تاریخی موجودند کـه لزوماً دارای منبع وحیانی نیسـتند. گاهی برای کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآن، همچنان نیازمندیم که در عرض و نـه در طول، آن‌هم با بررسـی و تحلیل و رعایت ضوابط پژوهش، بـه گزارش‌های تاریخی رجوع کنیم. میراث بزرگ تاریخی مسـلمانان، نشان‌دهنده وجود انگیزه‌ها و خاستگاه‌های نیرومندی میان آنان برای بارور سـاختن دانش تاریخ اسـت. بر پایه آنچه از اسامی کتاب‌ها و نوشته‌های تاریخی به دسـت می‌آید، می‌توان نوشـته‌های تاریخی مسـلمانان را به چند گروه تقسـیم کرد: معیار در تعیین گونه‌ها، روش تاریخ‌نگاری، موضوع تاریخ‌نگاری، گستره و هدف (برای آگاهی بیشتر در این زمینه، ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۳، ص۱۷ ـ ۴۵)؛ اما به صورت کلی منابع تاریخی به دو دسته شیعی و عامه تقسیم می‌شوند.

۱-۳-۳. منابع تاریخی شیعی

شـیعیان به‌موازات دیگر مسـلمانان کار خود را در تدوین دانش‌های اسـلامی آغاز کردند. یکی از ایـن دانش‌ها، دانش تاریخ بود. در کنار جنبش تاریخ‌نگاری عراق، شـیعه نیـز فعالیت خود را آغاز و در آن جنبـش مسـاهمت و همکاری کرد. موضوعات گونه‌گون سـیره نبـوی و نیز تاریخ تحولات عـراق از موضوعاتی بود که شـیعیان کامـلاً به آنها علاقه‌مند بودند و به‌هیـچ‌روی خود را جدا از آن تحولات نمی‌دیدند. طبیعی بود که در آن میان، حرکت‌ها و جنبش‌های شـیعی یا متمایل به تشـیع و یا حتی مخالف دولت اموی برای آنها ـ گاه از سـیره نبوی نیز ـ مهم‌تر بود؛ زیرا آنان شـاهد بودند که به‌هرروی سیره نبوی نگارش می‌یابد و دیگران هم به آن توجه دارند؛ اما اخبار علویان و جنبش‌های شـیعی از میان می‌رود و یا به‌صراحت تحریف می‌شـود. دیگر تحولات، نظیر بحث از تاریخ خلفا نمی‌توانسـت توجه شـیعیان را به خود جلب کند. دلیل آن نیز این بود که شـیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آنها نمی‌دید و طبعاً جز از زاویه منفی به آن نمی‌نگریست.

بیش از صد منبع تاریخی شـیعی در شـش گروه «آثار شـیعی در سیره نبوی در قرون نخست»، «کتاب‌های دلایل از قرن چهارم تا ششـم»، «کتاب‌های کلامی ـ تاریخی»، «کتاب‌های حدیثی ـ تاریخی»، «کتاب‌های رجالی ـ تاریخی»، «تواریخ دوازده امام : از قرن پنجم تا هفتم» نگاشته شـده‌اند (جعفریـان، ۱۳۷۳، مقدمه). برخی از این کتب امروزه به صورت مدون چاپ شـده‌اند و برخی دیگر، اصلشان از بین رفته اما گزاره‌های ارزشمندشان در میان دیگر منابع غنی شیعه به چشم می‌خـورد کـه با نام کتاب یـا راویان یا محتوا از میـان دیگر کتب کاملاً قابل‌دسـتیابی و بازیابی‌اند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

برخـی دیگر از این کتب نیز به‌کلی از بین رفته‌اند و صرفاً گزارشـی از نگارش آنها در قدیم‌الایام در دسترس است.

۲-۳-۳. منابع تاریخی عامه

تا بدینجا روشن شد که:

اولاً بـه دلایـل پیش‌گفته، منابـع تاریخی عامه بدون بررسـی علمـی اعتبار چندانـی ندارند و نمی‌توانند به عنوان منبع معتبر معرفی و استفاده شوند؛

ثانیاً با توجه به غنای منابع معتبر امامیه در مباحث تاریخی (از قرآن و سـنت) و منابع تاریخی شیعه، لزوماً نیازی ضروری و همه‌جانبه به استفاده اثباتی از منابع عامه نیست؛ اما می‌توان از آنها به صورت احتجاجی بهره‌های فراوان برد. همچنین ممکن اسـت گاهی در برخی موارد برای پر کردن خلأهای موجود در الگوی تاریخی شیعی و کشف معانی و مفاهیم تاریخی قرآنی بتوان با شرایطی و با در نظر گرفتن ضوابط و ظرایفی به منابع عامه رجوع کرد.

شرایط و ضوابط بهره‌گیری از منابع عامه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، به شرح زیر است:

۱. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با قرآن کریم؛
۲. عدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با روایات و منابع معتبر امامیه؛
۳. عـدم مغایرت گزارش‌های تاریخی عامه با اصول کلامی امامیه، مانند عصمت رسـول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و افضلیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛
۴. دانش‌افزایی هدایتی گزارش‌های تاریخی عامه.

با توجه به آنچه در «تحلیل گفتمان انتقادی» گفته شد، فرهنگ و باورها به هیچ وجه امری خنثا و بی‌طرف نیسـتند؛ زیرا قرار اسـت منافع گروهی را به ضرر گروه دیگری تأمین کنند. هر گروهی در تـلاش اسـت که نظام‌های معنایی خاصـی را ایجاد کند. به عبارت دیگـر، از طریق خلق نظام‌های معنایـی، معمـولاً گروهی را بی‌اعتبار جلـوه می‌دهند و گروهی دیگر را معتبر؛ عده‌ای را به حاشـیه می‌راننـد و عـده‌ای دیگر را در مرکز متن قـرار می‌دهند (بهرامپور، ۱۳۷۹: مقدمـه)؛ اما با دقت در واژگان به‌کاررفتـه در تاریخ منقول میان منابـع تاریخی متداول و تکرار آنها عملاً می‌توان از گفتمان غالب رمزگشایی کرد و به تاریخ قطعی دست یافت و اصالت تاریخی باور امامتی را از میان نخستین ادوار به اثبات رساند که این خود مبیّن باورهای امامتی شیعی است.

بنابرایـن با اسـتفاده از رمزگشـایی منابع متداول عامه، می‌توان کمک شـایانی کـرد تا حقایق و آموزه‌هایی که از ابتدا در ساختار اندیشه و عقیده‌ها تعبیه و دچار دگرگونی زبانی شده‌اند کشف و به

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

عنوان شواهدی در نگاره‌های عامه برای احتجاج استخراج شوند.[1]

۴-۳. اصول کلامی امامیه

پیش از ورود به بحث، برای آنکه مراد از باورهای مسلم و اصول کلامی روشن شود، مقدمه زیر ضروری به نظر می‌رسد. در بحث منابع علم کلام، اختلافی میان متکلمان امامیه در اصل حجیت «عقل» و «وحی» نیست. با نگاهی کلی می‌توان منابع علم کلام را در امامیه، میان دو دسته «عقل و نقل» جای داد که منظور از نقل، همان قرآن و احادیث است (برنجکار، ۱۳۷۴، ص۱۳۹). ازآنجاکه در الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی، دو رکن از چهار رکن، قرآن و روایات هستند، عملاً بازگشت منابع نقلی علم کلام، به دو رکن اول است. ازاین‌رو مؤلفه و رکن چهارم الگوی تاریخ‌پژوهی شیعی که اصول کلامی امامیه است، در واقع منبع دوم علم کلام یعنی «عقل» است. بنابراین باورهای مسلم کلامی که در این الگو از آنها سخن به میان می‌آید، باورهای برخاسته از عقل‌اند.

سیره نبوی صرفاً تاریخ نیست تا در بررسی و پذیرش یا رد آن فقط معیارهای تاریخی و روش‌های بررسی اسناد و مدارک تاریخی مورد ملاحظه پژوهشگر باشد، بلکه یک منبع معرفت‌شناختی است که همه تعالیم، آموزه‌ها و ارزش‌های دینی از آن قابل استخراج‌اند (عاملی، ۱۴۲۶، مقدمه). به همین سبب علاوه بر پژوهش در اسناد و روایات تاریخی، باید از باورهای مسلم کلامی (برخاسته از عقل) بهره برد. در تعارض باورهای کلامی و گزارش‌های تاریخی متداول، باورهای قطعی که حکایتگر حقایق ثابت و مبتنی بر عقل هستند، بر اخبار و گزارش‌های تاریخی ترجیح دارند.

استفاده از اصول کلامی در الگوی تاریخ‌پژوهی امامیه، استفاده رفت و برگشتی است. به دیگر سخن باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل، سنگ محکی برای ارزیابی گزارش‌های تاریخی‌اند. از سوی دیگر گزارش‌های تاریخی یقینی بر اساس ارزیابی صورت‌پذیرفته، وارد منظومه منابع کلامی می‌شوند و خود به باور مسلم کلامی مبدل می‌گردند. این باورهای برخاسته از تاریخ قطعی به‌خودی‌خود ملاک ارزیابی دیگر منابع و نقلیات خواهند بود. در الگوی تاریخ‌پژوهی کلامی امامیه به این‌گونه بهره‌گیری و دخالت باورهای کلامی، دخالت و استفاده‌ای دوسویه و دخالت و بهره‌گیری رفت و برگشتی گفته می‌شود.

یکی از باورهای مسلم کلامی برخاسته از عقل که در تشخیص بسیاری از اشتباهات تاریخی و

۱. برای آگاهی بیشتر از نمونه‌های رمزگشایی، ر.ک: سیدعبدالحمید، ابطحی (۱۳۹۴). «تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیّبات» دانشگاه پیام نور.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

نیز به عنوان معیار قطعی سنجش، پذیرش و یا رد اخبار و گزارش‌های تاریخی به کار گرفته می‌شود، عصمت و برگزیدگی الهی رسول‌اللهﷺ و اوصیای ایشان است.[1] غفلت و یا تغافل مورخان مکتب خلفا نسبت به این باور مسلم کلامی موجب شده تا سیمای نادرستی از رسول خداﷺ نمایانده شود؛ فردی ناتوان که چون کودکان عمل می‌کند و خشنودی و غضب او از روی ناتوانی و آشفتگی است. ازاین‌رو بسیاری از افراد از او داناتر و به نبوت شایسته‌ترند (عاملی، ۱۴۲۸، ج۱، ص۱۷ـ۲۲).

در ادامه برخی مواردی که با استناد به باور مسلم عقلی عصمت و برگزیدگی الهی ایشان، بدون بررسی سندی و روش‌های تاریخی با نگاه اول مردود هستند، به صورت فهرست‌وار ارائه می‌شوند:

۱. سهو پیغمبر در نماز (عسقلانی، ۱۳۰۰، ج۳، ص۷۷)؛
۲. افسانه غرانیق (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج۱، ص۲۳۵)؛
۳. مواضع سپاه اسلام در جنگ بدر نسبت به پیامبر (واقدی، ۱۳۸۸، ج۱، ص۴۸)؛
۴. تماشای رقص سیاهان در مسجد که بر پایه برخی روایات مکتب خلفا، در حالی بوده است که عایشه گونه‌اش را بر گونه حضرت قرار داده و هر دو نظاره‌گر رقص آنان بوده‌اند (ترمذی، بی‌تا، ج۵، ص۵۸۰)؛
۵. مسابقه دوی پیامبر با عایشه، که سپاه را رها کرد و به سوی عایشه دوید (کاتب واقدی (۱۳۸۸ش)، ج۲، ص۴۳۲)؛
۶. کشف عورت حضرت که برای حمل سنگ، لباسش را بیرون آورد (بخاری، ج۲، ص۲۰۳).
۷. آوازخوانی زنان مدینه و گوش فرادادن حضرت به آنان هنگام استقبال از او ابتدای هجرت (حلبی شافعی، ۱۳۲۰، ج۲، ص۶۲)؛
۸. نزول آیه ۶۷ سوره انفال در موافقت با دیدگاه عمر بن خطاب و مخالفت با رسول خداﷺ درباره اسرای بدر (طبری، ۱۳۸۷: ج ۱، ص۱۶۹).

نتیجه‌گیری

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه»، الگویی است که با دستیابی به منابع اصیل و وحیانی، تأثیرگذاری باورهای کلامی نگارندگان را به حداقل می‌رساند و بازتاب‌دهنده باورهای وحیانی است. با ارائه الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول

۱. برای آگاهی از اثبات این مدعای عقلی ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص۴۰.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

کلامی امامیه، می‌توان گزارش‌های قطعی تاریخی ارائه کرد که به‌خودی‌خود باورساز باشند و برای باورهای برخاسته از آیات و روایات شواهد تاریخی ارائه کرد و آنها را تبیین نمود و همچنین با در دست داشتن تاریخ قطعی به پاسخ‌گویی بسیاری از شبهات کلامی مبتنی بر تاریخی پرداخت.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]

منابع

۱. **قرآن کریم**
۲. **نهج‌البلاغه**
۳. ابطحی، سیدعبدالحمید (۱۳۹۴). **تبیین تاریخی در مورد باور شیعیان به علم الهی امامان و آگاهی ایشان به مغیبات**. رساله دکتری. دانشگاه پیام نور.
۴. برنجکار، رضا (۱۳۹۱). **روش‌شناسی علم کلام**. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث.
۵. برنجکار، رضا (۱۳۷۴). **معرفت فطری خدا**. تهران: مؤسسه نبأ.
۶. ابن‌هشام، عبدالملک‌بن‌هشام (۱۳۷۵). **السیرة النبویه**. ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی. قم: کتابچی.
۷. ابن‌حنبل، احمدبن‌محمد (۱۳۱۳ق). **المسند**. مصر. بیروت: دار صادر.
۸. ابوزهره، محمد (بی‌تا). **تاریخ المذاهب الاسلامیه**. قاهره: دارالفکر العربی.
۹. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۲). **فرائد الاصول**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بخاری، محمدبن‌اسماعیل (بی تا)، **صحیح البخاری**. بیروت: دارالمعرفه.
۱۱. بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). **تحلیل انتقادی گفتمان**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۲. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۱۳۷۱). **المقاصد و شرح المقاصد**. تحقیق دکتر عبدالرحمن عمیره. قم: انتشارات شریف رضی.
۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی (بی‌تا). **صحیح ترمذی**. تحقیق احمد محمد شاکر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)، **غرر الحکم و درر الکلم** - قم.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۷۳). **حیات فکری و سیاسی ائمه**علیهم‌السلام. ج۱و۲. تهران: سازمان چاپ و انتشارات تهران.
۱۶. حلبی شافعی، ابوالفرج (۱۳۲۰ق). **السیرة الحلبیه**، بی جا.
۱۷. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۳۰ ق)، **البیان فی تفسیر القرآن**، قم:موسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۸. ـــــــــــــ (بی تا)، **مصباح الاصول، تقریر السید محمد الواعظ الحسینی**، قم: منشورات مکتبة الداوری.
۱۹. روشن‌بین، ایمان (۱۳۹۰). **تأثیر باورهای کلامی ابن هشام بر تألیف السیره النبویه**. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۱. سلیمی، معصومه (۱۳۹۲). **بن‌مایه‌های قرآنی بصائر الدرجات**. تهران: دانشگاه قرآن و حدیث.
۲۲. صدوق، محمدبن علی (۱۳۷۶ ش)، **الأمالی**، تهران: کتابچی.
۲۳. طبری، محمدبن‌جریر (۱۳۸۷). **تاریخ الامم والملوک**. قاهره: دارالمعارف.
۲۴. عاملی، جعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). **الصحیح من سیرة النبی الأعظم**. قم: دار الحدیث.
۲۵. علی بن ابی طالب علیه‌السلام، غرر الحکم،
۲۶. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر (۱۳۰۰). فتح الباری. بیروت: **دارالمعرفة**.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۸. مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۳ق). **الاختصاص**. تصحیح غفاری. قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۲۹. مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق). **اوائل المقالات**. بیروت: دارالمفید.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-07-03]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1395.2.4.5.7]